

حجاب ؛ هاله‌ای از عفاف



تعریف حجاب در قرآن

خداوند منان در جای جای کلام‌الله مجید با عبارات متعددی مشرفین به دین مبین اسلام خصوصا بانوان را به حجاب امر فرموده و کلمات حجاب، لباس، ثیاب، عفت، خمار و جلیباب را در تفصیل و تبیین مفهوم آن به کار برده است.

مفهوم لغوی حجاب

حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنی پنهان کردن است. "امرئ محجوبه" زنی که پوشانیده است.

کلمه حجاب به معنی پرده یا حائل میان دو چیز است.

"و من بیننا و بینک حجاب" (سوره فصلت آیه 5)

و بین ما و شما پرده‌ای است یا ممنوعیت یا فاصله یا چیز پنهان شده‌ای.

"کلا انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون" (سوره الطغفین آیه 15)

همانا آنان از پروردگارشان در این روز، پوشیده‌اند.

و ما کان لبشر ان یکلمه الله و حیا او من وراء حجاب اویرسل رسولا فیوحی باذنه ما یشاء انه علی حکیم

(سوره شوری آیه 51)

و نبوده است بشری را که گویدش خدا مگر سروشی یا از پشت پرده یا فرستد پیک، پس وحی کند به دستورش آنچه خواهد همانا اوست بلندمرتبه و حکیم.

"اذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالاخره حجابا مستورا" (سوره اسراء آیه 45)

و هنگامی که قرآن قرائت می‌کنی بین تو و آنان که ایمان به آخرت ندارند حائلی (پرده‌ای یا پنهان شده‌ای) قرار دادیم.

چون مستورا صفت حجاب است لذا این حجاب غیرمیری است؛ مثل مومن و غیر مومن یا عالم و غیرعالم با آنکه کنار هم‌اند از هم بیگانه‌اند و فاصله زیاد دارند و به زبان

هم آشنا نیستند واحوالات و اموراتشان از هم پنهان است لذا تعبیر شد به اینکه میانشان پرده نامیری وجود دارد که آنها را از هم جدا می‌کند.

بنابراین کلمه حجاب در قرآن کریم همه جا پنهان کردن پوشش یا امر پنهانی، فاصله یا پرده‌ای پوشاننده یا حائل میان دو چیز به کار رفته است.

و اذا سنلتموهن مناعا فاستلوهن من وراء حجاب (سوره احزاب آیه 32)

چون از زنان پیامبر مناعی خواستید از پس پوشش بخواهید.

حجاب غیر از لباس است، گاهی لباس حجاب تلقی می‌شود ولی کلا حجاب به لباس گفته نمی‌شود.

مفهوم لغوی لباس

لباس در قرآن کریم به معنای مختلف استفاده شده از جمله زینت، آراینده، پوشاننده، در برگیرنده (احاطه کننده) حافظ آبرو و نگهدارنده و مشخص کننده حدود.

از جمله به آیات زیر می‌توان اشاره کرد:

یا بنی‌آدم قد انزلنا علیکم لباسا یواری سواتکم و ریشا و لباس التقوی هو خیر (سوره اعراف آیه 25)

ای فرزند آدم لباسی برای شما فرو فرستادم که برایتان زینت است و شرم‌گاهتان را می‌پوشاند و لباس تقوا بهتر است، این از آیات خداست شاید به خود آیید.

فوسوس لهما الشیطان لیبیدی لهما ماوری عنهما من سواتهما وقاسما انی لکم من الناصحین فدلهما بقرور

(سوره اعراف آیه 7)

شیطان آن دو را وسوسه کرد تا شرم‌گاه مستورشان را ظاهر سازد و برایشان قسم یاد کرد که من خیرخواه شمایم.

مفهوم لغوی ثیاب

در جای دیگر در قرآن به کلمه ثیاب بر می‌خوریم به معنای پوشش یا عفت ورزیدن و القواعد من النساء التی لایرجون نکاحا فلیس علیهن جناح ان یضعن ثیابهن غیر

متبرجات بزینت و ان یتستعفن خیر لهن و الله سمیع علیم (سوره نور آیه 59)

و زنان بازنشسته آن زنانی که امید به ازدواج آنان نیست در صورتی که زینت‌نمایی نکنند گناهی بر آنها نیست که پوشش (ظاهری) خود را واگذارند اما اگر عفت بورزند

برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و داناست.

در این آیه کلمه ثیاب به مفهوم پوشش ظاهر منای است و کنایه از جلیباب (چادر) و خمار (روسری) می‌باشد.

عفاف:

کلمه دیگری در قرآن که درخصوص مسائل مربوط به حجاب آمده عفاف است عفاف به معنای مناعت و عقیف به معنای خود نگه‌دار و با مناعت است.

آیه: وانکحوا لایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امانکم ان یکونوا فقراء بغیهم الله من فضله و لیستعفن الذین لایجدون نکاحا حتی ینکحوا الله من فضله (سوره نور

آیه 32)

آنانکه امکان ازدواج برایشان فراهم نشده باشد عقیف باشند و از زنا احتراز کنند و عفت بورزند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز کند.

و ان یتستعفن خیر لهن

و اگر زنان با حفظ پوشش اسلامی عفت بورزند برایشان بهتر است.
بنابراین کلمات: حجاب، لباس، ثبات و عفاف به نوعی مفهوم پوشاندن و پنهان کردن را متبادر می‌نماید.
وسیله حجاب و چگونگی پوشاندن

خمار:

ولیعزین بخمرهن علی جیوبهن (نور آیه 31) و باید مقنعه‌ها را بر گریبانشان بزنند. کلمه خمر به دو ضمه جمع خمار است.
خمار آن جامه‌ای است که زنان سر خود را با آن می‌پوشند و زاید آن را به سینه‌شان آویزان می‌کنند و به معنای روسری یا مقنعه است و دلالت بر پارچه‌ای دارد که سر و گریبان را با آن بپوشانند.

جلیاب:

یدنین علیهن من جلابیهن (احزاب آیه 59)

ببندازند بر خودشان جلیابی.

جلیاب دلالت بر پارچه‌ای سراسری دارد که از نوک سر تا نوک پا را در بر گرفته و می‌پوشاند که در فرهنگ ایرانی به آن چادر گفته می‌شود.

فلسفه حجاب

ایمان امری است قلبی که از عمل منفک نمی‌گردد و شیطان در عمل او رخنه نمی‌نماید.

(اولنک کتب فی قلوبهم الایمان) آن گروه در ایمانشان صادق‌اند.

(لایلتکم من اعمالکم شیئا)

مراد به اطاعت خالص و واقعی است به طوری که باطن با ظاهر مطابقت داشته باشد.

قلب پاک یا قلب زنده

قلب از لحاظ مادی با پمپاژ به اعضاء و جوارح خون می‌رساند و حتی ستاد کل مغز که به دست و پا، چشم و گوش و ... فرمان می‌دهد به قلب متصل است و از قلب خون می‌گیرد. حال باتوجه به اینکه حیات مادی بشر به قلب بستگی دارد، اگر در قلب خون نباشد چه خواهد شد.

حیات معنوی و ایمان قلبی هم همین طور است. دل معنوی و روحانی به اندیشه و فکر مومن حیات می‌دهد. اگر به الله متصل باشد، نیت و عملش الهی می‌شود از

روح دل ایمان می‌گیرد و دست و پا و چشم و گوش و اعضاء و جوارح به فرمان خدا عمل می‌کند و جز به خدا و رضایت حق به هیچ چیز نمی‌اندیشد و با دل و نیت پاک

عمل صالح انجام می‌دهد.

ان الانسان لفی خسر الا الذین امنوا و عملوا الصالحات

همانا انسان در ضرر و زیان است، مگر آنانکه ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهند تا جایی که سیماهم فی وجوههم من اثر السجود(1) آثار سجده (ایمان) از چهره

مومنین آشکار می‌شود که نشانه پاک‌ی قلب است. یکی از وظایف نبی‌مکرم اسلام پاکسازی است "یزکیهم" زیرا برای ایجاد پاک‌ی اول باید روح انسان از آلودگی‌ها پاک

شود و عامل پاک‌ی روح، ایمان به خداست.

مریم بهروزی

منبع: روزنامه رسالت